

# سفرهای استانی؛ پوپولیسیم یا مردم‌گرایی؟



● دکتر محسن رددی  
دکترای علوم سیاسی و استادیار  
پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دولت سیزدهم شعار «مردم‌گرایی» را سرلوحهٔ اقدامات خود قرار داده است. در همین راستا، آقای رئیسی سفرهای استانی و حضور مستقیم میدانی را پیگیری می‌کند. گاه این رفتار در فضای رسانه‌ای و رقابت‌های جناحی، با برچسب «پوپولیسیتی» مواجه می‌شود. در این یادداشت تلاش می‌شود معیارهایی معرفی شود که بتوان «اقدام جهادی و مردمی» را از «رفتار پوپولیسیتی» تمیز داد.

## تعریف مفاهیم «پوپولیسیم» و «مردم‌گرایی» و «انحصارگرایی»

«عوام‌گرایی یا پوپولیسیم» باوری است که جامعه را به دو بخش «مردم» و «قدرتمندان فاسد» تقسیم می‌کند و تلاش می‌کند با کنار زدن قدرتمندان فاسد، سیاستمدارانی را به قدرت رساند که «اراده مردم» را اجرا کنند. پوپولیسیم تبدیل به پدیده‌ای جهانی شده است. چند ماه پیش مجلهٔ «ایندپندنت ریویو» ویژه‌نامه‌ای در رابطه با پوپولیسیم منتشر کرد و اندیشمندان مختلف در رابطه با پوپولیسیم قلم زدند. در تنظیم این یادداشت از محتوای این مقالات استفاده شده است. پوپولیسیم با دو جریان «مردم‌گرایی» و «انحصارگرایی» در تقابل است. انحصارگرایی، ادارهٔ کشور و تصمیم‌گیری‌ها را مربوط به قشر خاص (نخبگان، افراد ممتاز و...) می‌داند. مردم‌گرایی به حضور فعال و مؤثر مردم در تصمیم‌سازی‌ها اشاره دارد. بنابراین باید سه جریان «پوپولیسیم»، «مردم‌گرایی» و «انحصارگرایی» را از هم جدا کرد.

## جریان جهانی پوپولیسیم

در تمام دنیا، پوپولیسیم (عوام‌گرایی) رو به گسترش است و تهدیدی علیه دموکراسی (مردم‌سالاری) بشمار می‌رود. این ایدئولوژی در انگلستان با «بوریس جانسون»، در آمریکا توسط «دونالد ترامپ» و در آلمان به صورت حزب «آلترناتیو برای آلمان» و در ایتالیا با «ماتئوسالوینی» ظاهر شده است.

زمینه‌شکل‌گیری پوپولیسیم سرخوردگی مردم از دموکراسی‌ها به دلیل وقوع فساد، اختلاس و پارتی‌بازی است. در این وضعیت «اکثریت خاموش» مردم احساس می‌کند که «نخبه‌ها»ی سیاسی و اقتصادی دیگر منافع آنان را نمایندگی نمی‌کنند و بیشتر به دنبال منافع شخصی خود هستند. شبکه‌های اجتماعی نیز به این احساس سرخوردگی از چپ و راست سیاسی دامن می‌زند و با انتشار مطالب تحریک‌آمیز و اخبار اغراق‌آمیز در مورد فساد و سوءاستفاده مقامات سیاسی، مردم خشمگین و نارضاضی را گرد هم می‌آورد.

## ویژگی‌های رفتاری رهبران پوپولیسیت

نشانه‌هایی در رفتار «سیاستمداران پوپولیسیت» هست که آنها را از «سیاستمداران مردم‌گرا» متمایز می‌کند:

۱. سیاستمداران پوپولیسیت، هر زمان از مبارزه با فساد دم می‌زنند «انتقام‌جویی» را مدنظر دارند نه «عدالت». از آنان با وعده مجازات و انتقام گرفتن از مفسدان، مردم را مسحور می‌کنند و به سمت خود

کار باعث جلب رضایت هواداران شد، اما مشخص است که محدود کردن اقلیت‌ها، مشکلات آمریکا را حل نمی‌کند. ۴. رهبران پوپولیسیت شفاف سخن نمی‌گویند و از جملات چند پهلوی که تفسیرهای متعدد برمی‌دارد استفاده می‌کنند. هدف این است که هرکس از ظن خود، هدف‌گوینده را تفسیر کند و رضایت همه این افراد جلب شود. در حالی که سخنان شفاف و صریح، فقط رضایت بخشی از مردم را جلب می‌کند و سایرین را نارضاضی نگاه می‌دارد. ۵. پوپولیسیت‌ها بر اساس «احساسات عمومی مردم» تصمیم می‌گیرند، نه «کارشناسی علمی و تخصصی». مبنای تصمیم‌گیری رهبران پوپولیسیت، خوشایند مردم است نه عقلانیت و دانش متخصصان.

۶. سیاستمداران پوپولیسیت، گوش شنیدن حرف‌های مردم را ندارند. در عوض زبانی دارند که به جای مردم سخن می‌گوید. در حالی که «رهبران مردم‌گرا» به جای سخن گفتن، بیشتر به حرف مردم گوش می‌کنند، با مردم اظهار همدردی می‌کنند، و تلاش می‌کنند به جای حرف



زدن، عمل کنند. ۷. بی‌اعتنایی به «قانون» و «نهادهای قانونی» ویژگی بارز سیاستمداران پوپولیسیت است. آنان «اراده اکثریت» را فراتر از قانون می‌دانند و به این بهانه قانون را زیر پا می‌گذارند. سیاستمداری که به قانون احترام می‌گذارد، پوپولیسیت نیست.

۸. پوپولیسیت‌ها فقط زمانی «انتخابات» را می‌پذیرند که نام آنان از صندوق رأی بیرون بیاید. برایشان انتخابات و صندوق رأی بی‌ارزش است و اگر از انتخابات بوی پیروزی آنان به مشام نرسد، به راحتی انتخابات را باطل می‌دانند و از نظر آنها انتخابات تبدیل به روندی می‌شود که در اختیار «اقلیت فاسد» است که هر که را بخواهند از صندوق درمی‌آورند. «تقلب» کلیدواژه

زمینه شکل‌گیری پوپولیسیم سرخوردگی مردم از دموکراسی‌ها به دلیل وقوع فساد، اختلاس و پارتی‌بازی است. در این وضعیت «اکثریت خاموش» مردم احساس می‌کنند که «نخبه‌ها»ی سیاسی و اقتصادی دیگر منافع آنان را نمایندگی نمی‌کنند و بیشتر به دنبال منافع شخصی خود هستند.



پوپولیسیت‌ها برای مشروعیت‌زدایی از نتیجه انتخابات است. سیاستمدارانی که فارغ از جایگاه خود در انتخابات، به آن احترام می‌گذارند و مشروعیت انتخابات را منوط به پیروزی خود نمی‌کنند، پوپولیسیت‌نیستند.

## چه رفتارهایی پوپولیسیتی نیست؟

۱. حضور مستقیم در میان مردم، همدردی و گفت‌وگو با آنان  
۲. نظرخواهی از عموم مردم، طرح چالش‌ها و مسائل با مردم و چاره‌جویی و یاری‌خواستن در اجرای طرح‌ها.  
۳. ساده‌زیستی، دوری از اشراف‌گرایی، بی‌تکلف بودن و تواضع در برابر مردم  
۴. عذرخواهی از مردم، پذیرفتن مسئولیت اشتباه‌ها  
۵. گزارش صادقانه، منصفانه و بدون مبالغه به مردم

## چه رفتارهایی پوپولیسیتی است؟

۱. بی‌توجهی و نادیده گرفتن توصیه‌های کارشناسان  
۲. شخصی کردن منازعات سیاسی  
۳. بایکوت مخالفان و منتقدان  
۴. سانتیمانتالیسم سیاسی (تحریک عواطف برای بسیج افکار عمومی)  
۵. بی‌اعتنایی به قانون و روندهای قانونی

## دولت سیزدهم و پوپولیسیم

بر اساس شاخص‌هایی که بیان شد، به راحتی می‌توان جریان «انحصارگرایی» و «پوپولیسیت» و «مردم‌گرا» را از یکدیگر تفکیک کرد. هر سه جریان در ایران امروز حضور پررنگ و طرفداران انبوهی دارند. تقلیل پوپولیسیم به «حضور در میان مردم» برداشت مبتذل و سطحی از این جریان ریشه‌دار و جهانی است. این جریان شاخص‌های آشکار و معینی دارد. سفر استانی، بازدید میدانی و پای سخنان مردم نشستن پوپولیسیم نیست. بی‌اعتنایی به قانون، فاسد دانستن همه، نادیده گرفتن نظرات کارشناسی، منازعه‌طلبی سیاسی پوپولیسیم است.

با این توصیف، کسانی که دولت را به دلیل سفرهای استانی متهم به پوپولیسیم می‌کنند، در واقع انحصارگرایان هستند. متوقف شدن حضور رئیس‌جمهور در میان مردم و گفت‌وگو با آنان، دور شدن از پوپولیسیم نیست؛ بلکه به معنای پا گذاشتن در مسیر دولت قبل و در جرگهٔ انحصارگرایان درآمدن است. جریان اشراف‌گرا و غیرمردمی است که آمیختگی دولت و مردم را نمی‌خواهد.

اگر دولت بخواهد در چارچوب مردم‌گرایی باقی بماند و از عوام‌زدگی فاصله بگیرد، باید تصمیم‌سازی‌ها را هرچه بیشتر متکی به نظرات کارشناسان و متخصصان کند. سفرهای استانی و ارتباط مستقیم دولت با مردم، هویت مردم‌گرای دولت را تثبیت می‌کند و کنار گذاشتن آنها، باعث ناامیدی پایگاه اجتماعی مردم رأی‌دهنده به دولت خواهد بود.